

بررسی رابطه شادی فردی و خوش بینی با انتخاب

محافظه کارانه و متهورانه حسابداری

فرشته عارفی *

رضا حصارزاده **

بهزاد کاردان ***

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۹/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۳/۱۹

چکیده

هدف پژوهش حاضر، بررسی تاثیر شادی فردی و خوش بینی بر انتخاب های محافظه کارانه و متهورانه در حسابداری می باشد. روش پژوهش، پیمایشی- آزمایشی و شرکت کنندگان پژوهش، شامل دانشجویان رشته حسابداری سال آخر کارشناسی و مقطع کارشناسی ارشد می باشند. نمونه آماری با استفاده از روش مورگان تعیین و در نهایت ۲۳۹ پرسشنامه جمع آوری گردید. برای ارزیابی شادی و خوش بینی از پرسشنامه های استاندارد استفاده می شود. همچنین، برای ارزیابی انتخاب های محافظه کارانه و متهورانه، از یک سناریوی ۱×۲ بهره گرفته می شود. یافته های حاصل از نمونه ۲۳۹ نفره نشان می دهد که انتخاب های محافظه کارانه و متهورانه به صورت معنی داری تحت تاثیر شادی فردی و خوش بینی قرار ندارد. بلکه، یافته ها نشان می دهد که انتخاب های محافظه کارانه و متهورانه به شدت تابع وابسته بودن حقوق و مزایا به سود حسابداری می باشد. در

* دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری، گروه حسابداری، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

Email: Arefi.fereshteh@stu.um.ac.ir

** استادیار حسابداری، گروه حسابداری، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران (نویسنده مسئول)

Email: Hesarzadeh@um.ac.ir

*** استادیار حسابداری، گروه حسابداری، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

Email: Kardan@um.ac.ir

نتیجه انتخاب‌های حسابداری کمتر تحت تاثیر احساسات و عواطف است و بیشتر مبتنی بر نگرش عقلایی و بعضاً در جهت کسب منافع می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: شادی، خوش‌بینی، انتخاب محافظه‌کارانه، انتخاب متهورانه.

۱- مقدمه

پژوهش‌های رفتاری در حسابداری برای اولین بار در دهه ۱۹۶۰ مطرح و طی دهه ۱۹۷۰ با پژوهش‌های انجام شده توسط اشتن و لی‌بی گسترش یافت (دیگان و همکاران^۱، ۲۰۱۱). به‌طور خاص، توسعه مباحث روانشناختی و تصمیم‌گیری رفتاری سهم عمده‌ای در ظهور پژوهش‌های رفتاری در حسابداری داشته است (برن برگ^۲، ۲۰۱۱). همچنین، در سال‌های اخیر حوزه روانشناسی شاهد ظهور رویکرد جدید، هر چند با سابقه‌ای کهن، با نام روانشناسی مثبت‌گرا بوده است که به جای پرداختن به آسیب‌ها یا اختلالات روانی به ابعاد مثبت وجود آدمی نظر دارد و با تکیه بر نقاط قوت افراد به بهبود عملکرد فردی و سازمانی آن‌ها کمک می‌کند. در این میان شادی فردی و خوش‌بینی از مفاهیم بنیادی این رویکرد محسوب می‌شوند (شلدون و لیبرومیسکی^۳، ۲۰۰۴).

برن برگ مطالعاتی از مباحث روانشناختی را نام می‌برد که در آن وضعیت هیجانی مانند غم، شادی، خوش‌بینی، ترس و عصبانیت در انتخاب‌های محافظه‌کارانه و متهورانه در حسابداری اثر گذار است (برن برگ، ۲۰۱۱). این پژوهش‌ها موید آن است که حسابداری و علوم روانشناختی ارتباط نزدیک با یکدیگر دارند. رفتار افراد و به ویژه سرمایه‌گذاران، مدیران، حسابداران و حسابرسان از عوامل مختلفی از جمله ادراک و احساس آنان سرچشمه می‌گیرد و بر فرآیند تصمیم‌گیری آن‌ها تاثیر می‌گذارد (خشنود، ۱۳۸۳). روانشناسان بر خلاف نظریه‌های رفتار عقلایی اقتصاددانان، اعتقاد دارند که انسان‌ها تمایلات سوگیرانه‌ای دارند که عقلانیت را محدود می‌کند. این تمایلات باعث کاهش توانایی افراد در بروز رفتار عقلایی می‌شود. در نتیجه، احساسات افراد در تصمیم‌گیری آنان دخیل است. از این‌رو، شادی فردی و خوش‌بینی به عنوان احساسات ریشه‌ای مثبت، می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در تصمیم‌گیری افراد در جهت انتخاب‌های محافظه‌کارانه و متهورانه حسابداری داشته باشد.

1 Deegan & et al

2 Birnberg

3 Sheldon & Lyumbomirsky

شادی فردی و خوش بینی با عوامل شخصیتی و شناختی پیوند نزدیک دارد (خوش کنش، ۱۳۸۶؛ کشاورز و وفائیان، ۱۳۸۶). برای مثال، افراد شاد احساس امنیت بیشتری می کنند و آسان تر تصمیم می گیرند (مایرز^۱، ۲۰۰۲؛ نشاط دوست و دیگری، ۱۳۸۸)، انعطاف پذیری بیشتری دارند و اهل خطر کردن هستند و راحت تر از بقیه می توانند اشتباهات و شکست های احتمالی خود را باز یابی کنند. همچنین شادی موجب بهره وری و کارایی می شود (کارل و پلچت^۲، ۲۰۰۶).

علاوه بر شادی، مطالعات زیادی درباره تاثیر مباحث روانشناسی بر تصمیم گیری وجود دارد (کلارچن و گورسن ناسیف^۳، ۲۰۱۳). بطور خاص، خوش بینی باعث وقوع پدیده بیش اعتمادی می شود. بیش اعتمادی نیز باعث می شود که انسان دانش و مهارت خود را بیش از حد و ریسک ها را کمتر از حد برآورد نماید و احساس کند روی مسایل و رویدادها کنترل دارد و تصمیم گیری وی یک تصمیم گیری بهینه و کارا است، درحالی که ممکن است در واقع این گونه نباشد. ولی بطور کلی، افراد خوش بین به دلیل اعتمادی که به خود در هنگام تصمیم گیری دارند. ریسک بیشتری را می پذیرند و اقدام به انتخاب های حسابداری می نمایند.

در تایید مطالب بالا، روانشناسان و اقتصاددانان رفتاری به نقش احساساتی همچون شادی، ترس و خوش بینی در هدایت انتخاب های افراد در موقعیت های ریسک پذیر تاکید دارند (فورگاس^۴، ۱۹۹۵؛ لونستن و لرنر^۵، ۲۰۰۳؛ کاگت و همکاران^۶، ۲۰۱۱).

پژوهش های متعددی پیرامون محافظه کاری و سیاست های متهورانه صورت گرفته است (کامیابی و نورعلی، ۱۳۹۵؛ بادآور نهندی و محمودزاده باغبانی، ۱۳۹۲؛ عبدلی و همکاران، ۱۳۹۲؛ هاشمی و نجفی، ۱۳۹۰)، اما پژوهشی که اثر ویژگی های روانشناختی افراد را در انتخاب این رویه ها بررسی نماید مشاهده نگردید. لذا هدف این پژوهش، بررسی این سوال است که صرف نظر از تحلیل های نظری آیا در عمل، شادی فردی و خوش بینی با انتخاب های محافظه کارانه و متهورانه حسابداری رابطه معنی داری دارد؟ برای ارزیابی شادی فردی و خوش بینی از پرسشنامه شادی دانشگاه آکسفورد و پرسشنامه خوش بینی شیر و کارور استفاده می شود. برای ارزیابی انتخاب های محافظه کارانه و متهورانه، از یک سناریوی ۱×۲ بهره گرفته می شود.

1 Myers

2 Karl & Peluchette

3 Chen, Gores & Nasev

4 Forgas

5 Loewenstein

6 Coget et al

ساختار پژوهش به این شرح است: در قسمت بعد، مبانی نظری و فرضیه‌ها ارائه می‌شود. سپس در بخش سوم روش‌شناسی، بخش چهارم یافته‌های پژوهش و در نهایت نتیجه‌گیری بیان می‌گردد.

۲- مبانی نظری و تدوین فرضیه‌ها

۲-۱- مبانی نظری

روانشناسان بیش از صد سال است که فرآیند تصمیم‌گیری توسط انسان را مورد مطالعه قرار داده و در رابطه با چگونگی رفتار انسان‌ها به نظریه‌های قوی دست یافته‌اند. نظریه‌های یاد شده عموماً به بررسی نحوه اندیشیدن افراد می‌پردازد و بر تصمیم‌گیری و قضاوت افراد تمرکز دارد. بیشتر موضوع‌های حسابداری نیز مستلزم تصمیم‌گیری هستند. برای مثال، مدیران در رابطه با افشاهای اختیاری، حسابداران در انتخاب‌های حسابداری، حسابرسان در مورد نوع گزارش حسابرسی، سرمایه‌گذاران پیرامون خرید یا فروش سهام و تحلیل‌گران در مورد چگونگی تفسیر گزارش‌های مالی، به‌صورت مکرر تصمیم‌گیری می‌نمایند. از این‌رو پژوهش‌های روانشناسی می‌توانند دیدگاه‌های ارزشمندی را در مورد نحوه رفتار حسابداران، حسابرسان و سایر بازیگران ارائه نمایند. با این‌که پژوهشگران تجربی حسابداری مدت زیادی است که مناسب بودن ویژگی‌های روانشناسی را برای موضوع‌های حسابداری تشخیص داده‌اند، اما به ندرت این ویژگی‌ها را جهت پیش‌بینی یا تفسیر نتایج به‌کار بسته‌اند. دو دلیل را می‌توان برای این موضوع مطرح کرد. اول این‌که بسیاری از پژوهشگران در زمینه روانشناسی آموزش کافی و لازم را ندیده‌اند و دلیل دیگر این‌که تئوری‌های سنتی اقتصاد (که مبنای بیشتر پژوهش‌ها هستند) اغلب بر فرضیه‌هایی تکیه دارند که تئوری‌های روانشناسی را نامربوط قلمداد می‌کنند. در نظریه‌های اقتصاد مالی سنتی فرض می‌شود که تصمیم‌گیرندگان کاملاً عقلایی عمل کرده و همیشه به دنبال بیشینه کردن مطلوبیت مورد انتظار است. در حالی‌که پژوهش‌های روانشناسی بر این پیش‌فرض که افراد مطابق با مدل‌های دستوری رفتار می‌کنند، استوار نیست. بنابراین گاهی اوقات نظریه‌های روانشناسی به پیش‌بینی‌هایی متفاوت با نظریه‌های اقتصادی منجر گردیده و ممکن است به تبیین واقع‌بینانه‌تری از کنش افراد در حوزه انتخاب‌های حسابداری کمک نماید. به‌علاوه نظریه‌های روانشناسی و نظریه‌های اقتصادی می‌توانند به صورت مکمل، نتیجه‌گیری جامع‌تری را ممکن سازند (رهنمای رودپشتی و یزدانی، ۱۳۸۸).

بر اساس نظریه‌های روانشناسی، یکی از مولفه‌های مهم مرتبط با اندیشیدن، قضاوت و تصمیم‌گیری افراد، سطح شادی فردی و خوش‌بینی آنان می‌باشد.

در تعریف شادی، آلستون و دودلی بیان می‌دارند شادی عبارت است از: "توانایی لذت بردن از تجربه‌های فردی، همراه با درجه‌ای از هیجان" (حسنیان و همکاران^۱، ۲۰۱۱). به لحاظ تجربی بسیاری از پژوهش‌ها در حوزه روانشناسی به شادی به عنوان یک احساس مثبت ناشی از خلق و خوی مثبت اشاره می‌نمایند (لو و گیلیمور^۲، ۲۰۰۴). ارتباط شادی و خلق و خوی مثبت آنقدر مسلم و قوی است که برخی صاحب‌نظران شادی را چیزی جز خلق و خوی مثبت نمی‌پندارند. خلق و خو، خود می‌تواند فرآیند تصمیم‌گیری را تحت تاثیر قرار دهد. برخی پژوهش‌های تجربی نقش خلق و خوی مثبت (شادی) در تصمیم‌گیری تحت شرایط ریسک را بررسی نموده‌اند و نشان داده‌اند که شادی فردی می‌تواند نگرش و انتظارات ریسکی افراد و به نوبه خود انتخاب‌های حسابداری آن‌ها را تحت تاثیر قرار دهد (آیسن و پاتریک^۳، ۱۹۸۳). با این حال در مورد این‌که چطور شادی فردی گرایش‌های ریسک‌پذیر افراد را تحت تاثیر قرار می‌دهد مدل‌ها یا نظریه‌های رقیب وجود دارد. در روانشناسی دو مدل تصمیم‌گیری مربوط به شادی فردی و ریسک‌پذیری وجود دارد که پیش‌بینی‌های متناقضی با یکدیگر دارند.

مدل اول، مدل اثر القا است که نشان می‌دهد شادی و بطور کلی خلق و خوی مثبت، رفتار ریسک‌پذیری را پرورش می‌دهد در حالی‌که عدم شادی و بطور کلی خلق و خوی منفی تمایل به ریسک‌پذیری را کاهش می‌دهد (فورگاس، ۱۹۹۵).

تعدادی از مطالعات تجربی نشان داده‌اند که افراد شاد هنگام مواجهه با یک موقعیت ریسک‌پذیر، تمایل به پذیرش ریسک بیشتری دارند (چو و همکاران^۴، ۲۰۰۷؛ فهر-دودا و همکاران^۵، ۲۰۱۱). همچنین جانسون و تورسکی در یک پژوهش آزمایشگاهی نشان دادند که در شرایط القای خلق و خوی منفی، افراد ریسک‌های غیرمالی را بالاتر برآورد می‌کنند (جانسون و تورسکی^۶، ۱۹۸۳). درحالی‌که در شرایط القای خلق و خوی مثبت، احتمال در نظر گرفتن حوادث ریسک‌پذیر کاهش می‌یابد.

1 Hasnain et al

2 Lu & Glimour

3 Isen & Patrick

4 Chou et al

5 Fehr-Duda et al

6 Johnson & Tversky

مدل دوم، مدل فرضیه بقا است که نشان می‌دهد افراد شاد تمایل به رفتار با دقت و احتیاط بیشتر در موقعیت‌های دارای ریسک دارند و در نهایت منجر به ریسک‌گریزی آن‌ها می‌شود به ویژه هنگامی که زیان بالقوه، واقعی و چشمگیر باشد، زیرا زیان احساس شادی را مخدوش می‌کند. بنابراین آن‌ها سعی می‌کنند که از حالات احساسی و وجدآور خود حفاظت کنند (آیسن و پاتریک، ۱۹۸۳). بر این اساس افراد شاد در تصمیم‌گیری‌های خود انتخاب‌های اطمینان‌بخش انجام می‌دهند. برای مثال کاهیت گاون و هاکسهاب نشان دادند که افراد شاد دارای‌های عملیاتی و حساب‌های پس‌انداز بیشتری را نگهداری می‌کنند و تمایل آن‌ها به نگهداری سهام و اوراق قرضه کم است. زیرا افراد شاد ترجیح می‌دهند انتخاب‌هایی داشته باشند که دارای ریسک کمتری باشد (گاون و هاکسهاب^۱، ۲۰۱۴).

صرف نظر از دو مدل بالا، بطور کلی پژوهش‌های تجربی نشان می‌دهند که افراد شاد دارای ویژگی‌های متعددی هستند. برخی از آن‌ها عبارتند از: زمان بیشتری را برای تصمیم‌گیری صرف می‌کنند و دارای افکار و رفتاری سازگار و حمایت‌کننده و دیدگاهی روشن هستند و از افکار بدبینانه دوری می‌کنند. آنان سالم، فرهیخته، برون‌گرا، باهوش و خوش‌بین هستند. این افراد با دید باز به امور می‌نگرند، برای مسائل خود مستقیماً تلاش می‌کنند و به موقع از دیگران کمک می‌طلبند (مرادی و همکاران، ۱۳۸۴). بنابراین افزایش شادی می‌تواند یک روش مناسب برای تحریک و برانگیختن و بهبود عملکرد آنان باشد (ریجو و همکاران^۲، ۲۰۰۸). افراد شاد اطلاعات را به‌گونه‌ای پردازش و تفسیر می‌کنند که به خوشحالی آن‌ها منجر شود (شوارتز و استراک^۳، ۱۹۹۱).

علاوه بر مفهوم شادی، در روانشناسی خوش‌بینی نیز به‌عنوان مفهومی مهم و درخور توجه تلقی می‌شود. خوش‌بینی، به پندارهایی اطلاق می‌شود که معتقدند در آینده چیزهای خوب بیشتر از چیزهای بد اتفاق می‌افتد (کار، ۲۰۰۴). خوش‌بینی که اغلب معلول شادی فردی است، می‌تواند به عنوان کاتالیزور نقش تسریع‌کننده‌ای در فرآیند تصمیم‌گیری داشته باشد. تصمیم‌گیری چنان با خصوصیت روانی تصمیم‌گیرنده آمیخته است که نمی‌توان یکی را بدون دیگری مورد مطالعه قرار داد. افراد و بطور خاص حسابداران و مدیران بطور طبیعی گرایش دارند که نسبت به واحد تجاری بیش از اندازه خوش‌بین باشند. خوش‌بینی و شادی همراه یکدیگر هستند. خوش‌بینی و شادی مکانیسم‌های خودکار شکست را که در ذهن وجود دارد از کار می‌اندازند و

1 Guvena & Hoxhab

2 Rego et al

3 Schwarz & Strack

باعث می‌شوند افراد به این بیاندیشند که چه می‌خواهند و چگونه می‌توانند به خواسته‌های خود برسند (اسدی هریس، ۱۳۹۵)، از این‌رو، از میان روش‌های مختلف حسابداری روش‌هایی را انتخاب می‌نمایند که حداکثر مطلوبیت را برای آن‌ها ایجاد نماید. رایج‌ترین توضیح برای چنین رفتاری، انگیزه‌های مالی است (بیور و همکاران^۱، ۲۰۱۰). در واقع، انگیزه‌های مالی که افراد دارند باعث می‌شود آن‌ها مزایای گزارش خوش‌بینانه را بیشتر از هزینه آن ارزیابی کنند. هرچند، بدون شک ذات یا فطرت افراد نیز به شدت در بروز رفتار خوش‌بینانه اثرگذار است. اگرچه ممکن است جداکردن خوش‌بینی ناشی از انگیزه‌های مالی از خوش‌بینی ذاتی و فطری چالش برانگیز باشد، با این حال، تشخیص چگونگی تاثیرگذاری خوش‌بینی بر تصمیم‌گیری پیرامون انتخاب-های حسابداری مهم است. زیرا کسانی که خوش‌بین هستند به دلیل انتظار عملکرد بهتر، با پدیده بیش اعتمادی مواجه می‌شوند (کرامر و هوگارت^۲، ۱۹۹۹؛ اسپراند و زچمان^۳، ۲۰۱۲؛ لی‌بی و رنه‌کامپ^۴، ۲۰۱۲). افراد بیش اعتماد در مورد توانایی پیش‌بینی و دقت اطلاعاتی که در اختیار آنان قرار می‌گیرد، برآوردهایی غیرواقع‌بینانه دارند و احساس می‌کنند که تمام مسائل و رویدادها را تحت کنترل دارند و در نتیجه، آنان سطح ریسک کلی را پایین برآورد می‌کنند و از نظر ذهنی آماده پذیرش ریسک بیشتر در حوزه انتخاب‌های حسابداری می‌شوند. با پذیرش ریسک بیشتر از طریق انتخاب‌های حسابداری ممکن است برای دستیابی به منافع بیشتر، درگیر مباحثی همچون دستکاری سود گردند (شیپر^۵، ۱۹۸۹). پژوهش‌های مختلفی در خارج از کشور در این خصوص انجام شده که همگی مؤید واکنش بازار سهام نسبت به این نوع رویه‌ها در انتشار اخبار خوب می‌باشد (استیجورس و نیسکان^۶، ۲۰۱۱؛ لینس و ریچاردسون^۷، ۲۰۱۱؛ اوسیمک^۸، ۲۰۱۱؛ هانلون و اسلمرود^۹، ۲۰۰۹؛ چن و همکاران^{۱۰}، ۲۰۱۰).

1 Beyer et al

2 Camerer & Hogarth

3 Schrand & Zechman

4 Libby & Rennekamp

5 Schipper

6 Steijver & Niskanen

7 Lanis & Richardson

8 Osemeke

9 Hanlon & Slemrod

10 Chen

۲-۲- تدوین فرضیه‌ها

بر اساس مبانی نظری بیان شده در قسمت قبل، بطور خلاصه می‌توان بیان نمود که شادی (عدم شادی) جنبه‌ای از عواطف و خلق و خوی مثبت (منفی) است که پیامدهای متعددی دارد. از جمله این پیامدها خوش‌بینی (بدبینی) است که به درک مثبت (منفی) از رویدادهای فعلی و آتی منتهی می‌شود. افراد خوش‌بین (بدبین) دارای بیش (کم) اعتمادی در تصمیم‌گیری‌های خود هستند لذا ریسک‌پذیرترند (گریزترند) و منجر به انتخاب‌های متهورانه (محافظه‌کارانه) می‌گردد (شکل یک را ملاحظه نمایید). با توجه به مطالب ارائه شده فرضیه‌های پژوهش را می‌توان به صورت زیر بیان نمود:

فرضیه اول: بین شادی فردی و انتخاب محافظه‌کارانه و متهورانه حسابداری رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه دوم: بین خوش‌بینی و انتخاب محافظه‌کارانه و متهورانه حسابداری رابطه معناداری وجود دارد.

شکل (۱): ارتباط منطقی بین شادی با انتخاب‌های محافظه‌کارانه و متهورانه حسابداری^۱



۱ برگرفته از تحلیل مبانی نظری

۳- پیشینه پژوهش

مطالعات گذشته به ندرت معطوف ارتباط شادی و حسابداری بوده‌اند. با این حال پژوهشهایی نادری وجود دارد که به ارتباط یادشده پرداخته‌اند. برای مثال، فروغی و دستجری (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان "بررسی مبانی شادی و تطبیق آن‌ها با مفاهیم حسابداری" ابتدا مبانی شادی و جایگاه آن در کلام اندیشمندانی چون ارسطو و ابن سینا را تبیین می‌نمایند و سپس ضمن توضیح جایگاه دین و آموزه‌های دینی در شادی انسان، شاخص‌ها و مولفه‌های شادی در دین مبین اسلام، راز کتاب‌ها، آیات و روایات مختلف جمع‌آوری می‌نمایند و در نهایت به بررسی و تطبیق این شاخص‌ها با مفاهیم حسابداری می‌پردازند. آن‌ها در این بررسی به این نتیجه دست می‌یابند که حسابداری و گزارشگری آن، قادر نیستند در ایجاد شادی در انسان کمک کنند. اما حسابداری قابلیت داشتن یک شاخه معنوی و اخلاقی در درون خود را دارد.

علی‌رغم پژوهش‌های محدود پیرامون ارتباط شادی با حسابداری پژوهش‌های گسترده‌ای پیرامون خوش‌بینی و حسابداری صورت گرفته است. برای مثال، گلباغی (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان "بررسی رابطه خوش‌بینی مدیریت و محافظه‌کاری در حسابداری" نقش محافظه‌کاری حسابداری در پیش‌بینی‌های جانبدارانه مدیریت در جامعه آماری شرکت‌های پذیرفته شده بورس اوراق بهادار تهران مورد بررسی قرار داد. یافته‌های این پژوهش حاکی از عدم رابطه بین محافظه-کاری حسابداری و خوش‌بینی مدیریت است. کاپس و همکاران^۱ (۲۰۱۶) نیز با بررسی ارتباط ادبیات حسابداری با مفهوم خوش‌بینی ذاتی و ارائه این بینش در گزارشگری مالی به این نتیجه دست یافتند که خوش‌بینی ذاتی افراد به احتمال زیاد بر گزارشگری مالی تاثیرگذار است و از سوی دیگر نشان دادند که در حسابداری، خوش‌بینی افراد اغلب از طریق دو عامل بیش-اعتمادی و دلایل انگیزشی ایجاد می‌شود.

۴- روش پژوهش

روش پژوهش در پژوهش حاضر، پیمایشی-آزمایشی است. جامعه آماری این پژوهش، شامل دانشجویان رشته حسابداری سال آخر کارشناسی و مقطع کارشناسی ارشد می‌باشد. نمونه مورد مطالعه پژوهش به روش نمونه‌گیری مورگان تعیین و در نهایت ۲۳۹ پرسشنامه جمع‌آوری شد. در این پژوهش تجزیه و تحلیل داده‌های گردآوری شده با استفاده از نرم افزار SPSS در دو سطح آمار توصیفی و آمار استنباطی صورت می‌گیرد. در سطح آمار توصیفی از آماره‌های آماری نظیر میانگین و انحراف معیار استفاده می‌شود. در سطح آمار استنباطی متناسب با سطح سنجش

داده‌ها از آزمون‌هایی نظیر، تحلیل رگرسیون، آزمون مقایسه میانگین‌ها و همبستگی استفاده می‌شود.

ابزار گردآوری داده‌ها عبارتند از:

۴-۱- پرسشنامه شادی آکسفورد

پرسشنامه شادی آکسفورد در سال ۱۹۸۹ توسط آرگایل و لو طراحی گردید (هیلز و آرگایل^۱، ۱۹۹۸). این پرسشنامه دارای ۲۹ گویه است که هفت عامل خود پنداره، رضایت، آمادگی روانی، سرذوق بودن، احساس زیبایی شناختی، خودکارآمدی و امیدواری را در برمی‌گیرد (هادی‌نژاد و زارعی، ۱۳۸۸) و طیف آن به ترتیب از ۱ تا ۶ نمره‌گذاری می‌شود. پایایی و روایی این پرسشنامه با بکارگیری آلفای کرونباخ و تحلیل عاملی در ایران در پژوهش جوکار (۱۳۸۵، ۱۳۸۶) در سطح بالایی ارزیابی شده است. در این پژوهش نیز پایایی مقیاس شادی آکسفورد به روش آلفای کرونباخ و روش دونیمه-ساز اسپیرمن براون به ترتیب ۰/۹۴، ۰/۹۰ بدست آمد که حاکی از بالا بودن سطح پایایی می‌باشد. مقدار آماره بارتلت که تقریبی از آزمون کای‌دو است برای این پرسشنامه برابر با ۰/۹۲۶ بدست آمد. چون مقدار این آماره از ۰/۶ بیشتر و نزدیک به یک است دلالت بر این دارد که تعداد نمونه، در پژوهش حاضر، برای تحلیل عاملی کافی است. همچنین سطح معنی‌داری آزمون بارتلت برای ابزار مذکور کوچکتر از ۵ درصد است که نشان می‌دهد تحلیل عاملی برای شناسایی ساختار مدل عاملی مناسب است و می‌توان آن را بکار برد.

۴-۲- پرسشنامه خوش‌بینی شییر و کارور

پرسشنامه خوش‌بینی در سال ۱۹۸۵ شییر و کارور طراحی و در سال ۱۹۹۴ مورد تجدیدنظر قرار گرفت (شییر و کارور^۲، ۱۹۸۵). این پرسشنامه دارای ۶ گویه است که ۳ گویه آن به منظور برآورد خوش‌بینی فردی و ۳ گویه دیگر به منظور برآورد بدبینی فردی نسبت به آینده در یک طیف ۵ گزینه‌ای طراحی شده است و به ترتیب از ۰ تا ۴ نمره‌گذاری می‌شود. پایایی و روایی این پرسشنامه در ایران با بکارگیری روش بازآزمایی و همبستگی این آزمون با مقیاس پنج عاملی بک در سطح بالایی ارزیابی شده است (گودرزی، ۱۳۸۰). در این پژوهش نیز پایایی پرسشنامه خوش‌بینی به روش آلفای کرونباخ و روش دو نیمه‌سازی اسپیرمن براون به ترتیب ۰/۶۳ و ۰/۶۲ بدست آمد که حاکی از پایایی نسبتاً قابل قبولی را نشان می‌دهد. با وجود این که پایایی پرسشنامه از ۰/۷ کوچکتر است، چون این پرسشنامه، استاندارد می‌باشد و بارها در

1 Hills & Argyle

2 Scheier & Carver

پژوهش‌های مختلف مورد استفاده قرار گرفته است می‌توان پایایی پرسشنامه را قابل قبول تلقی نمود. مقدار آماره بارتلت که تقریبی از آزمون کای‌دو است برای این پرسشنامه برابر با $0/668$ می‌باشد. چون مقدار این آماره از $0/6$ بیشتر و نزدیک به یک است دلالت بر این دارد که تعداد نمونه، در پژوهش حاضر، برای تحلیل عاملی کافی است. همچنین سطح معنی‌داری آزمون بارتلت برای ابزار مذکور کوچکتر از 5 درصد است که نشان می‌دهد تحلیل عاملی برای شناسایی ساختار مدل عاملی مناسب است و می‌توان آن را بکار برد.

در جدول (۱) نتایج بررسی پایایی و روایی ابزارهای پژوهش که مورد آزمون قرار گرفت بطور خلاصه ارائه شده است.

جدول (۱): نتایج بررسی پایایی و روایی ابزارهای پژوهش

ابزارهای پژوهش		پرسشنامه شادی آکسفورد		پرسشنامه خوش‌بینی شیر و کارور	
بررسی پایایی		آلفای کرونباخ		آلفای کرونباخ	
		دو نیم کردن		دو نیم کردن	
		$0/94$		$0/63$	
		$0/90$		$0/62$	
بررسی روایی		آماره بارتلت		آماره بارتلت	
		$0/93$		$0/69$	
سطح معنی‌داری		$0/00$		$0/00$	

منبع: یافته‌های پژوهش

۴-۳- متغیرهای پژوهش

همان‌طور که قبلاً بیان شد هدف این پژوهش بررسی تاثیر شادی فردی و خوش‌بینی بر انتخاب‌های محافظه‌کارانه و متهورانه حسابداری می‌باشد. بنابراین، متغیرهای مستقل اصلی این پژوهش، شادی فردی و خوش‌بینی و متغیر وابسته شامل انتخاب‌های محافظه‌کارانه و متهورانه حسابداری است. در پژوهش حاضر، نمره‌ای که فرد پاسخ‌دهنده از پاسخگویی به ابزارهای پژوهش به دست می‌آورد میزان شادی فردی و خوش‌بینی وی را نشان داد. همچنین، به منظور تصمیم‌گیری پیرامون انتخاب‌های محافظه‌کارانه و متهورانه در حسابداری (اندازه‌گیری متغیر وابسته) یک سناریوی 1×2 جهت برآورد هزینه گارانتی تنظیم شد. منظور از ۲، دو حالت زیر می‌باشد:

اول: حقوق و مزایای افراد تابع سود حسابداری باشد.

دوم: حقوق و مزایای افراد تابع سود حسابداری نباشد.

برای ارزیابی محتوای سناریوی یاد شده، از نظر خبرگان استفاده شده است.

در این پژوهش متغیرهای جنسیت، تحصیلات، سابقه کار و سن به عنوان متغیرهای کنترلی به کار گرفته می‌شود. چرا که دانیر و همکاران^۱ (۱۹۹۹) معتقدند که میزان شادی زنان و مردان برابر است اما مطالعات پژوهشگرانی همچون تارویس و وید^۲ (۱۹۸۴)؛ هالپرن^۳ (۲۰۰۰) نشان دادند که تفاوت‌های قابل توجهی در ویژگی‌های فردی زنان و مردان وجود دارد و زنان در مقایسه با مردان شادتر هستند (کشاورز و وفائیان، ۱۳۸۶). همچنین میرس-لوی^۴ (۱۹۸۹) بیان کردند که مردان و زنان تفاوت‌هایی در سازکار پردازش اطلاعات دارند و به دلیل این تفاوت و روش‌های پاسخ به ریسک، قضاوت زنان و مردان پیرامون مسئله‌ای یکسان احتمالا تفاوت‌های قابل ملاحظه‌ای وجود دارد. از این رو مطابق با نظریه‌های جامعه‌شناسی، مردان به گونه‌ای رادیکال‌تر عمل کرده و به صورت عمومی ریسک بیشتری را می‌پذیرند و به‌رغم تاثیر تفاوت‌های جنسیتی بر ریسک‌پذیری، شواهدی که تایید می‌کند زنان در مجموع از مردان ریسک‌گریزترند بیشتر است (علوی طبری و همکاران، ۱۳۹۱).

آرگایل (۲۰۰۱) طی پژوهشی دریافت که با افزایش سن، شادی، خوش‌بینی و رضایتمندی کمی افزایش می‌یابد و هردو در مورد مردان بیشتر است. علاوه بر این، بین سن، جنسیت، تحصیلات با شادی و خوش‌بینی ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد (کشاورز و وفائیان، ۱۳۸۶). در نتیجه، با افزایش سن و تحصیلات میزان شادی و در نهایت خوش‌بینی افزایش می‌یابد.

ویژگی‌های جمعیت‌شناسی آزمودنی‌ها شامل، جنسیت، تحصیلات، سابقه کار، و سن در جدول (۲) ارائه شده است. توزیع فراوانی پاسخ‌دهندگان پس از بررسی‌های انجام شده روی ویژگی‌های جمعیت‌شناسی بیانگر آن است که ۵۴٪ آنان را زنان تشکیل می‌دهند. توزیع فراوانی بر حسب متغیر مقطع تحصیلی حاکی از آن است که ۵۱٪ پاسخ‌دهندگان، دانشجویان کارشناسی و ۴۹٪ پاسخ‌دهندگان، دانشجویان کارشناسی ارشد می‌باشند. درصد فراوانی افراد شاغل و دارای سابقه کار ۴۸٪ و برای افراد غیرشاغل برابر ۵۲٪ است. در مجموع این آمارها، همگن بودن نمونه آماری را به طور نسبی تایید می‌کند.

1 Diener et al

2 Tavris & Wade

3 Halpern

4 Meyers-Levy

جدول (۲): ویژگی جمعیت‌شناسی آزمودنی‌ها

جنسیت	تحصیلات	سابقه کار	سن
مرد	کارشناسی ارشد	شاغل	زیر ۲۲ سال
۱۲۸	۱۱۷	۱۱۵	۸۸
زن	کارشناسی	غیر شاغل	۲۲-۲۸ سال
۱۱۱	۱۲۲	۱۲۴	۱۳۰
			بالا ۲۸ سال
			۲۱

منبع: یافته‌های پژوهش

۵- یافته‌های پژوهش

۵-۱- آماره های توصیفی

برای ارائه یک نمای کلی از خصوصیات مهم متغیرها، در جدول (۳) آماره های توصیفی این متغیرها در دو بخش جداگانه برای دو حالت اول و دوم سناریو ارائه شده است.

همانطور که از جدول مزبور پیداست، میانگین شادی فردی برای انتخاب‌های محافظه-کارانه و متهورانه حسابداری در حالت اول (۱۱۷/۸۵، ۱۲۱/۸۱) و حالت دوم (۱۱۸/۹۷، ۱۲۶/۱۴) برای انتخاب‌های متهورانه بالاتر از انتخاب‌های محافظه‌کارانه می‌باشد. اما از آن جایی که مقدار این آماره‌ها نزدیک به یکدیگر می‌باشد، نتایج یا شده حاکی از آن است که شادی فردی احتمالا انتخاب‌های محافظه‌کارانه و متهورانه حسابداری را تحت تاثیر قرار نمی‌دهد. علاوه بر این، نتیجه یاد شده در مورد خوش‌بینی برای انتخاب‌های مذکور نیز صادق است. چراکه، میانگین خوش‌بینی در حالت اول (۱۳/۵۰، ۱۴/۵۰) و حالت دوم (۱۴/۲۲، ۱۴/۰۰) نیز به یکدیگر نزدیک می‌باشد و می‌توان بیان نمود که انتخاب‌های محافظه‌کارانه و متهورانه حسابداری احتمالا تحت تاثیر خوش‌بینی قرار نمی‌گیرند. ارزیابی میانگین متغیرهای جنسیت، مقطع تحصیلی و سابقه‌کار در انتخاب‌های محافظه‌کارانه و متهورانه بیانگر این است که در حالت اول مردان در مقایسه با زنان تمایل بیشتری به انتخاب‌های متهورانه دارند (۰/۵۴، ۰/۵۰) و این در حالی می‌باشد که در حالت دوم مردان با رعایت احتیاط، انتخاب محافظه‌کارانه‌تری دارند (۰/۴۳، ۰/۵۵). نتیجه بدست آمده بیانگر این موضوع است که در حالت اول سناریو مردان نسبت به زنان، به دنبال کسب منفعت بیشتری برای خود هستند. به بیان دیگر، مردان با پذیرش ریسک بیشتر اقدام به انتخاب متهورانه می‌نمایند تا سود حسابداری افزایش یابد ولی در حالت دوم سناریو چون از سود حسابداری منفعتی حاصل نمی‌گردد منافع شرکت نسبت

به منافع شخصی در اولویت مردان قرار می‌گیرد. همچنین، مقطع تحصیلی بطور میانگین در حالت اول با انتخاب‌های متهورانه (۰/۴۷، ۰/۴۱) و در حالت دوم (۰/۴۳، ۰/۵۴) با انتخاب‌های محافظه‌کارانه همسوتر است. همچنین از نظر نوع انتخاب‌های محافظه‌کارانه و متهورانه حسابداری، در حالت اول (۰/۴۷، ۰/۴۷) سابقه کار متغیر اثر گذاری محسوب نمی‌شود اما در حالت دوم (۰/۴۳، ۰/۴۹) سابقه کار بیشتر به محافظه‌کاری بالاتر منتهی شده است. این نتایج می‌تواند حاکی از آن باشد که سابقه کار تنها زمانی سبب افزایش محافظه‌کاری می‌شود که حقوق و مزایای افراد تابع سود حسابداری نباشد.

جدول (۳): آماره‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

بخش الف: آمار توصیفی مربوط به انتخاب محافظه‌کارانه (متهورانه) در حالت اول سناریو						
انتخاب محافظه‌کارانه			انتخاب متهورانه			
متغیر	تعداد	میانگین	انحراف معیار	تعداد	میانگین	انحراف معیار
شادی	۳۴	۱۱۷/۸۵	۲۵/۳۸	۱۲۹	۱۳۱/۸۱	۲۰/۳۹
خوش‌بینی	۳۴	۱۳/۵۰	۳/۴۱	۱۲۹	۱۴/۵۰	۳/۲۹
جنسیت	۳۴	۰/۵۰	۰/۵۱	۱۲۹	۰/۵۴	۰/۵۰
مقطع تحصیلی	۳۴	۰/۴۱	۰/۵۰	۱۲۹	۰/۴۷	۰/۵۰
سابقه کار	۳۴	۰/۴۷	۰/۵۱	۱۲۹	۰/۴۷	۰/۵۰
سن	۳۴	۱/۶۲	۰/۶۰	۱۲۹	۱/۶۸	۰/۵۹
بخش ب: آمار توصیفی مربوط به انتخاب محافظه‌کارانه (متهورانه) در حالت دوم سناریو						
انتخاب محافظه‌کارانه			انتخاب متهورانه			
متغیر	تعداد	میانگین	انحراف معیار	تعداد	میانگین	انحراف معیار
شادی	۱۱۶	۱۱۸/۹۷	۱۹/۶۱	۲۸	۱۳۶/۱۴	۲۶/۱۶
خوش‌بینی	۱۱۶	۱۴/۲۲	۳/۲۳	۲۸	۱۴/۰۰	۳/۴۵
جنسیت	۱۱۶	۰/۵۵	۰/۵۰	۲۸	۰/۴۳	۰/۵۰
مقطع تحصیلی	۱۱۶	۰/۵۴	۰/۵۰	۲۸	۰/۴۳	۰/۵۰
سابقه کار	۱۱۶	۰/۴۹	۰/۵۰	۲۸	۰/۴۳	۰/۵۰
سن	۱۱۶	۱/۷۴	۰/۶۱	۲۸	۱/۶۸	۰/۷۲

منبع: یافته‌های پژوهش

۵-۲- آمار استنباطی

جدول (۴) ضرایب همبستگی پیرسون برای متغیرهای استفاده شده در مدل‌های رگرسیون در سطح خطای پنج درصد (*) را نشان می‌دهد. نتایج بیانگر آن است که بین متغیرهای مستقل شادی فردی و خوش‌بینی همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد. تایید رابطه مثبت به این معنی است که با افزایش شادی فردی، میزان خوش‌بینی افزایش می‌یابد. این یافته با پژوهش‌های گذشته (کشاوری و وفائیان، ۱۳۸۶؛ خوش‌کنش، ۱۳۸۶) نیز همسو می‌باشد. همچنین ضرایب

همبستگی نشان می‌دهد به جز متغیر سن و مقطع تحصیلی، احتمال هم‌خطی بین متغیرهای مستقل پایین است.

جدول (۴): همبستگی بین متغیرهای مستقل پژوهش

متغیر	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۱- شادی	۱					
۲- خوش‌بینی	۰/۲	۱				
۳- جنسیت	۰/۰۹	-۰/۰۲	۱			
۴- مقطع تحصیلی	۰/۰۴	-۰/۱	۰/۰۹	۱		
۵- سن	-۰/۰۲	-۰/۱۷*	۰/۱۶*	۰/۷۳*	۱	
۶- سابقه کار	۰/۰۲	-۰/۰۸	۰/۲۸*	۰/۳۸*	۰/۴۳*	۱

منبع: یافته‌های پژوهش

جهت تجزیه و تحلیل فرضیه‌های پژوهش مبنی بر اینکه شادی فردی و خوش‌بینی تا چه حد بر نوع انتخاب‌های حسابداری تاثیرگذار است، رگرسیون چند متغیره برای خوش‌بینی و شادی محاسبه شد. نتایج مدل‌های رگرسیونی در جدول (۵) بصورت بخش‌های مجزا برای ارزیابی رابطه شادی و خوش‌بینی با انتخاب‌های محافظه‌کارانه و متهورانه حسابداری ارائه شده است.

همان‌گونه که سطح معناداری متغیر شادی در بخش (الف) نشان می‌دهد، متغیر شادی فردی در سطح ۹۵ درصد اطمینان برای هردو حالت اول و دوم سناریو معنی دار نیست. بنابراین، با توجه به نتایج بدست آمده فرضیه اول پژوهش رد می‌شود. رد فرضیه مذکور را می‌توان این‌گونه تفسیر کرد افراد بر اساس احساس‌های هیجانی مانند شادی فردی اقدام به انتخاب‌های حسابداری نمی‌نمایند و ترجیح می‌دهند احساس‌های هیجانی خود را کنترل نمایند و یک تصمیم‌گیری معقول از انتخاب‌های حسابداری اتخاذ نمایند. به عبارت دیگر، رد فرضیه یاد شده حاکی از آن است که انتخاب‌های حسابداری احتمالاً مبتنی بر انتخاب‌های عقلایی (طبق نظریه‌های اقتصادی) و نه انتخاب‌های هیجانی (طبق نظریه‌های روانشناسی) است.

جدول (۵): نتایج تحلیل رگرسیون

بخش الف: نتایج تحلیلی مربوط به شادی						
حالت اول سناریو			حالت دوم سناریو			
متغیرها	ضرایب	آماره تی	معناداری	ضرایب	آماره تی	معناداری
ضریب ثابت	۳/۳۲	۴۹/۵۳	۰/۰۰	۳/۵۷	۶۴/۴۴	۰/۰۰
شادی	۰/۰۰	-۱/۳۱	۰/۱۹	۰/۰۰	-۱/۷۱	۰/۰۹
جنسیت	-۰/۰۲	-۰/۸۸	۰/۳۸	-۰/۰۳	-۱/۶۷	۰/۱۰
سابقه کار	-۰/۰۳	-۱/۱۹	۰/۲۴	۰/۰۴	۲/۱۲	۰/۰۴
مقطع تحصیلی	-۰/۰۱	-۰/۴۹	۰/۶۲	۰/۰۶	۲/۵۰	۰/۰۱
سن	۰/۰۴	۱/۴۶	۰/۱۵	-۰/۰۶	-۲/۸۸	۰/۰۰
آماره فیشر	ضریب تعیین قایل شده		آماره فیشر		ضریب تعیین قایل شده	
۱/۲۷	۰/۰۰		۳/۴۶		۰/۰۵	
بخش ب: نتایج تحلیلی مربوط به خوش بینی						
حالت اول سناریو			حالت دوم سناریو			
متغیرها	ضرایب	آماره تی	معناداری	ضرایب	آماره تی	معناداری
ضریب ثابت	۳/۲۷	۵۶/۱۹	۰/۰۰	۳/۵۲	۷۲/۹۰	۰/۰۰
خوش بینی	-۰/۰۰	-۰/۵۸	۰/۵۶	-۰/۰۰	-۰/۷۲	۰/۴۷
جنسیت	-۰/۰۲	-۱/۰۰	۰/۳۲	-۰/۰۳	-۱/۸۰	۰/۰۷
سابقه کار	-۰/۰۳	-۱/۱۸	۰/۲۴	۰/۳۲	۲/۱۱	۰/۰۴
مقطع تحصیلی	-۰/۰۲	-۰/۶۰	۰/۵۵	۰/۰۶	۲/۳۷	۰/۰۱
سن	۰/۰۴	۱/۴۸	۰/۱۴	۰/۰۶	-۲/۷۹	۰/۰۰
آماره فیشر	ضریب تعیین قایل شده		آماره فیشر		ضریب تعیین قایل شده	
۰/۹۹	۰/۰۰		۲/۹۵		۰/۰۴	

منبع: یافته‌های پژوهش

در فرضیه دوم پژوهش به این موضوع پرداخته شد که خوش‌بینی با انتخاب‌های محافظه‌کارانه و متهورانه رابطه معنادار دارد. همانطور که در بخش (ب) مشاهده می‌شود، متغیر خوش‌بینی در سطح ۹۵ درصد اطمینان برای هر دو حالت اول و دوم سناریو معنادار نیست. بنابراین، همسو با رد فرضیه اول، فرضیه دو نیز رد می‌شود. رد فرضیه مذکور انتظارات پژوهش مبنی بر این که افراد خوش‌بین احتمالاً به دلیل بیش‌اعتمادی سطح ریسک بالاتری را می‌پذیرند و از این‌رو اقدام به انتخاب‌های حسابداری می‌نمایند نیز منتفی می‌گردد. این یافته‌ها با نتایج پژوهش‌های هوانگ و گو^۱ (۲۰۰۸) همخوانی نسبی دارد.

این نتایج حاکی از آن است که احساس شادی فردی و خوشبینی از عوامل با اهمیت تاثیرگذار بر انتخاب روش‌های حسابداری توسط جامعه آماری که شامل دانشجویان رشته حسابداری می‌باشد، نیست. شاید از دلایل آن، به عنوان مثال، وجود استانداردها و قوانین و مقررات باشد که تصمیم‌گیری احساسی افراد را محدود می‌سازد. همچنین آموزش‌های حسابداری عموماً تأکید بر روش‌های محافظه‌کارانه دارند که منجر به تعدیل اراده و احساس می‌شود. علاوه بر این، تجربه، درستکاری، دانش، پایداری به مبانی اخلاقی، نظارت و پاسخگویی از مهمترین عوامل در فرآیند تصمیم‌گیری برای انتخاب‌های حسابداری می‌باشد که احساس و ویژگی‌های احساسی افراد را تعدیل می‌کند.

علاوه بر این نتایج تحلیل رگرسیون حاصل از ترکیب دو حالت اول و دوم سناریو در جدول (۶) نشان می‌دهد که انتخاب‌های محافظه‌کارانه و متهورانه حسابداری بطور قابل ملاحظه‌ای تابع وابسته بودن حقوق و مزایای افراد به سود حسابداری، بستگی دارد. به این مفهوم که چنانچه حقوق و مزایا افراد تابع سود حسابداری باشد (حالت اول سناریو) نسبت به اینکه حقوق و مزایا تابع سود حسابداری نباشد (حالت دوم سناریو) انتخاب روش‌های محافظه‌کارانه (متهورانه) کمتر (بیشتر) است. این نتایج می‌تواند بیانگر آن باشد که افراد در انتخاب‌های خود به دنبال انگیزه‌های مالی و کسب منافع می‌باشند.

جدول (۶): نتایج تحلیل رگرسیون حاصل از ترکیب دو حالت اول و دوم سناریو

متغیرها	ضرایب	آماره تی	معنی-داری
ضریب ثابت	۳/۵۱	۵۸/۲۰	۰/۰۰
تابعیت حقوق و مزایا از سود حسابداری	-۰/۲۳	-۱۲/۷۷	۰/۰۰
شادی	۰/۰۰	-۰/۸۶	۰/۳۹
خوشبینی	۰/۰۰	۰/۳۰	۰/۷۷
جنسیت	۰/۰۰	۰/۰۳	۰/۹۷
مقطع تحصیلی	۰/۰۰	۰/۵۱	۰/۶۱
سن	-۰/۰۰	-۰/۵۱	۰/۶۱
سابقه کار	۰/۰۰	۰/۴۴	۰/۶۶
آماره فیشر	ضریب تعیین تعدیل شده	دوین واتسون	
۲۳/۸۳	۰/۳۴	۱/۸۶	

منبع: یافته‌های پژوهش

۶- نتیجه‌گیری

احساس شادی و خوش‌بینی به دلیل تاثیر قابل ملاحظه‌ای که بر تمامی جنبه‌های شخصیتی انسان و چگونگی بروز رفتارهای مختلف در او دارد، همواره مورد توجه پژوهشگران بوده است. مطابق با مدل‌ها و نظریه‌های روانشناسی انتظار بر آن بود که افراد شاد و خوش‌بین با پذیرش ریسک بیشتر اقدام به انتخاب‌های متهورانه نمایند و برعکس افراد کمتر شاد و کمتر خوش‌بین ریسک‌گریزتر باشند و اقدام به انتخاب‌های محافظه‌کارانه نمایند. از این‌رو پژوهش حاضر به بررسی تاثیر شادی و خوش‌بینی افراد بر انتخاب‌های محافظه‌کارانه و متهورانه حسابداری پرداخت. برای سنجش تاثیر شادی و خوش‌بینی بر انتخاب‌های مذکور انواع آزمون‌ها از جمله آزمون‌های همبستگی، تحلیل رگرسیون و آزمون‌های میانگین بکار گرفته شد. در نهایت، نتایج پژوهش نشان داد که شادی فردی و خوش‌بینی بر تصمیم‌گیری پیرامون انتخاب‌های حسابداری تاثیر قابل ملاحظه‌ای ندارد. بعلاوه، نوع انتخاب‌های آن‌ها به شدت تابع وابسته بودن حقوق و مزایای افراد به سود حسابداری است. دلیل آن هم می‌تواند به ارزیابی نوع انتخاب‌های حسابداری، آموزش، قوانین و مقررات، حفظ و ارتقای سمت شغلی، کسب منفعت و غیره مرتبط باشد.

در مجموع، اگرچه نتایج پژوهش نشان داد که احساس شادی و خوش‌بینی افراد به تنهایی بر تصمیم‌گیری انتخاب‌های محافظه‌کارانه و متهورانه تاثیر گذار نیست، با این حال، این یافته حاکی از آن است که انتخاب‌های حسابداری، کمتر ناشی از احساسات و عواطف است و بیشتر براساس نگرش عقلایی اخذ می‌شود و با دیدگاه نظریه‌های اقتصادی که بیان می‌کند تصمیم‌گیرندگان هنگام مواجهه با انتخاب‌های متفاوت کاملاً عقلایی عمل کرده و به دنبال بیشینه کردن مطلوبیت مورد انتظار خود هستند هم‌خوانی دارد.

با توجه به یافته‌های پژوهش مبنی بر اینکه انتخاب‌های حسابداری تابع حقوق و مزایا است پیشنهاد می‌گردد که با گنجانیدن اخلاق حرفه‌ای در دوره‌های آموزشی، موجبات کاهش سوگیری انتخاب‌های حسابداری به سمت دنباله‌روی از منافع شخص، فراهم گردد. همچنین، به‌منظور جمع‌بندی کلی برای بررسی تاثیر شادی فردی و خوش‌بینی بر انتخاب‌های محافظه‌کارانه و متهورانه حسابداری پیشنهاد می‌گردد که به‌طور همزمان تیپ‌های شخصیتی پاسخ‌دهندگان نیز مورد بررسی قرار گیرد و سپس متناسب با شادی فردی و خوش‌بینی در هر نوع تیپ شخصیتی تصمیم‌گیری برای انتخاب محافظه‌کارانه و متهورانه حسابداری مورد مطالعه قرار بگیرد. همچنین، پیشنهاد می‌شود تاثیر ویژگی‌های روان‌شناختی شادی فردی و خوش‌بینی بر انتخاب‌های محافظه‌کارانه و متهورانه حسابداری در سطح کارکنان و مدیران که بطور واقعی با امر تصمیم‌گیری

سروکار دارند مورد بررسی قرار گیرد. بعلاوه، به منظور ارائه نتایج دقیق‌تر، بررسی تاثیر شادی محیطی بر رفتار افراد و تاثیر آن بر تصمیم‌گیری در انتخاب‌های حسابداری و مقایسه نتایج آن با شادی فردی به محققین پیشنهاد می‌گردد.

۷- تگناهای پژوهش

پژوهش‌های پیمایشی مشابه با سایر پژوهش‌ها دارای تگناهای خاص خود می‌باشند و لذا در تفسیر و کاربرد نتایج باید آن‌ها را مد نظر قرار داد. برای مثال، تعداد سوال‌های پرسشنامه‌ها و طولانی بودن آن‌ها، مشکلاتی از جمله عدم مشارکت برخی از افراد در پاسخ دادن به سوال‌ها و یا پاسخ‌های نادقیق را ممکن است به همراه داشته باشد. صرف‌نظر این موضوع، ادبیات ناغنی پیرامون ارتباط شادی/خوشبینی با انتخاب‌های حسابداری نیز ممکن است سبب شود تحلیل‌های این پژوهش به سمت پژوهش‌های اکتشافی متمایل گردد. تگنای دیگر پژوهش، تمرکز بر انتخاب‌های محافظه‌کارانه در حوزه برآوردهای حسابداری می‌باشد. بنابراین نتایج پژوهش ممکن است برای انتخاب‌های حسابداری در سایر حوزه‌ها ارتباط متفاوتی با شادی و خوشبینی داشته باشد.

منابع و مآخذ

۱. آرگایل، مایکل. (۲۰۰۱). روانشناسی شادی. مسعود گوهری انارکی، حمید طاهر نشاط دوست، حسن پالانگ و فاطمه بهرامی، اصفهان: انتشارات جهاد دانشگاهی.
۲. اسدا...، اسدی هریس. (۱۳۹۵). خوشبینی، شفافیت، آینده‌نگری و عمل‌گرایی کلید موفقیت، دو ماه نامه مهندسی مدیریت، سال نهم، ص ۷۵.
۳. بادآور نهندي، یونس و سعید محمودزاده باغبانی. (۱۳۹۲). بررسی گزارشگری مالی و رابطه آن با مدیریت سود. فصلنامه حسابداری مالی ۱۸: ۱۰۲-۸۲.
۴. پرسشنامه آزمون جهت‌گیری زندگی، موسسه پژوهشی ایران پژوهش. سایت موسسه پژوهشی ایران پژوهش.
۵. پرسشنامه شادی آکسفورد، موسسه پژوهشی ایران پژوهش. سایت موسسه پژوهشی ایران پژوهش.
۶. جوکار، بهرام. (۱۳۸۶). رابطه هدف‌گرایی و شادکامی. فصلنامه روانشناسی دانشگاه تبریز ۵: ۴۱-۵۹.

۷. جوکار، بهرام و صفورا سپهری. (۱۳۸۵). رابطه شادی و شیوه‌های گزینش. فصلنامه مطالعات روانشناختی ۳: ۱۳۸-۱۲۵.
۸. خشنود، مهدی. (۱۳۸۳). شناسایی و رتبه‌بندی گروه‌های موثر بر تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران فردی و نهادی در بورس اوراق بهادار تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مدیریت مالی، دانشگاه تهران.
۹. خوش کنش، ابوالقاسم. (۱۳۸۶). بررسی روابط ساده و چندگانه پیشایندهای شخصیتی- شناختی و مذهبی با احساس شادکامی و ارتباط این متغیر با سلامت روانی و عملکرد تحصیلی دانشجویان دانشگاه شهید چمران، پایان‌نامه دکترای روانشناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز.
۱۰. رهنمای رودپشتی، فریدون و شهره یزدانی. (۱۳۸۸). کاربرد تئوری‌های روان‌شناسی در حسابداری. پژوهشنامه حسابداری مالی و حسابرسی ۴: ۲۶-۱.
۱۱. کامیابی، یحیی و مهدیه نورعلی. (۱۳۹۵). بررسی اثر میانجی محافظه‌کاری حسابداری بر رابطه بین عدم تقارن اطلاعات و مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. فصلنامه حسابداری مالی ۲۹: ۲۶-۱.
۱۲. کشاورز، امیر و محبوبه وفاییان. (۱۳۸۶). بررسی عوامل تاثیرگذار بر میزان شادکامی. روانشناسی کاربردی ۵: ۶۲-۵۴.
۱۳. گلباغی، ع. ر. (۱۳۹۲). بررسی رابطه بین خوش‌بینی مدیریت و محافظه‌کاری در حسابداری. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته حسابداری دانشگاه گیلان.
۱۴. گودرزی، محمدعلی. (۱۳۸۰). روایی و پایایی مقیاس نومییدی بک در گروهی از دانشجویان دانشگاه شیراز. مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز ۱۷(۱).
۱۵. طاهر نشاط‌دوست، حمید؛ کلانتری، مهرداد؛ مهربانی، حسینعلی و همکاران. (۱۳۸۸). تعیین عوامل موثر در شادکامی کارکنان شرکت فولاد مبارکه، جامعه‌شناسی کاربردی، ش ۱، ۱۱۸-۱۰۵.
۱۶. عبدلی، محمدرضا؛ بخشی، حسین و سید احمد حسینی. (۱۳۹۲). بررسی رابطه گزارشگری متهورانه مالی و اندازه شرکت‌ها با سیاست‌های متهورانه مالیاتی، پژوهشنامه مالیات، ش ۱۹.
۱۷. علوی طبری، سیدحسین؛ مجتهدزاده، ویدا و نغمه بختیاری. (۱۳۹۱). تاثیر جنسیت بر کیفیت حسابرسی مستقل، پژوهشنامه حسابداری مالی و حسابرسی، ش ۱۳، ۴۳-۲۱.

۱۸. فروغی، داریوش و علیرضا رهروی دستجری. (۱۳۹۵). بررسی مبانی شادی و تطبیق آن با مفاهیم حسابداری. **چهاردهمین همایش ملی حسابداری ایران**، دانشگاه ارومیه.
۱۹. مرادی، مریم؛ جعفری، سید ابراهیم و محمدرضا عابدی. (۱۳۸۴). شادمانی و شخصیت: بررسی مروری، **فصلنامه تازه‌های علوم شناختی** (۷): ۷۱-۶۰.
۲۰. هادی‌نژاد، حسن و فاطمه زارعی. (۱۳۸۸). پایایی، اعتبار و هنجاریابی پرسشنامه شادکامی آکسفورد، **پژوهش‌های روانشناختی** ۱۲(۱-۲): ۷۵-۶۲.
۲۱. هاشمی، سید عباس و علی نجفی. (۱۳۹۰). رابطه محافظه‌کاری حسابداری با تغییرات پیش‌بینی سود در شرکت‌های پذیرفته شده بورس اوراق بهادار تهران. **فصلنامه حسابداری مالی** (۱۱): ۵۰-۲۷.
22. Beyer, A., D. Cohen, T. Lys, and B. Walther. (2010). The Financial Reporting Environment: Review of the recent literature. **Journal of Accounting and Economics** 50 (2): 296-343.
23. Birnberg, J. G. (2011). A Proposed Framework for Behavioral Accounting Research (23): 1-43.
24. Camerer, C. and R. Hogarth. (1999). The Effects of Financial Incentives in Experiments: A Review and Capital-labor-Production Framework. **Journal of Risk and Uncertainty** 19 (1-3): 7-42.
25. Capps, G., L. Koonce, and K. Petroni, (2016). Natural Optimism in Financial Reporting: A State of Mind. **Accounting Horizons** 30 (1) 76-91.
26. Car, A. (2004). **Positive Psychology, The Science of Happiness and Human Strengths**, New York, Brunner Rout ledge Let.
27. Chen, S., X. Chen, Q. Cheng, & T. Shevlin. (2010). Are Family Firms more Tax Aggressive than Non-family Firms? **Journal of Financial Economics** (95): 41-61.
28. Chen, C. X., T. Gores, J. Nasev. (2013). **Managerial Overconfidence and Cost Stickiness**, Working Paper, Available at SSRN: <http://ssrn.com/abstract=2208622>.
29. Chou, K. L., T. M. C. Lee, and A. H.Y. Ho. (2007). Does Mood State Change Risk Taking Tendency in Older Adults? **Psychol Aging** (22): 310-318.
30. Coget, J. F., C. Haag, and D. E. Gibson. (2011). Anger and Fear in Decision Making: The Case of Film Directors on Set. **European Management Journal** (29): 476-90.

31. Deegan, C. and J. Unerman. (2011). **Financial Accounting Theory**, New York, McGraw-Hill, pp.490.
32. Diener, E., E. M. Suh, R. E. Lucas, & H. L. Smith. (1999). Subjective well – being Three Decades of Well-being. **Psychological Bulletin** 125(2): 276-302.
33. Fehr-Duda, H., T. Epper, A. Bruhin, and R. Schubert. (2011). Risk and Rationality: The Effects of Mood and Decision Rules on Probability Weighting, **Journal of Economic Behavior And Organization** 78: 14–24.
34. Forgas, J. P. (1995). Mood and Judgment: The Affect Infusion (AIM), **Psychological Bulletin**, vol. 117, pp.39–66.
35. Guvena, C. and I. Hoxhab. (2014). Rain or Shine: Happiness and Risk -taking, **The Quarterly Review of Economics and Finance** 57: 1-10.
36. Halpern, D. F. (2000). **Sex Differences in Cognitive Abilities** (3rd Edition). Mahwah, NJ: Lawrence Erlbaum, Associates, Inc. Publishers.
37. Hanlon, M., and J. Slemrod, (2009). What does Tax Aggressiveness Signal? Evidence from Stock Price Reactions to News about Tax Aggressiveness. **Journal of Public Economics** 93: 126-141.
38. Hasnain, N. A., S. Ansari, and S. Samantray. (2011). Spirituality and Happiness as Correlates of Well-being in Religious Women. **European Journal of Social Sciences** 20(3): 431-442.
39. Hills, P. and M. Argyle. (1998). **Musical and Religious Experiences and Their Relationship to Happiness. Personality and Individual Difference** 25: 91-102.
40. Huang, C. L. and Y. J. Goo. (2008). Are Happy Investors Likely to be Overconfident?, **Emerging Markets Finance and Trade** 44(4): 33–39.
41. Isen, A. M., and R. Patrick. (1983). The Effect of Positive Feelings on Risk-Taking: When the Chips Are Down, Organ. **Behav. Hum. Decis. Processes** 31: 194–202.
42. Johnson, E. J., and Tversky, A. (1983). Affect, Generalization, And The Perception of Risk. **Journal of Personality and Social Psychology** 45, pp.

43. Karl, K., and J. Peluchette. (2006). How Does Workplace Fun Impact Employee perceptions of Customer Service Quality?, **Journal of Leadership And Organizational Studies** 13(2): 2-13.
44. Lanis, R., and G. Richardson (2011). The Effect of Board of Director Composition on Corporate Tax Aggressiveness. **Journal of Accounting and Public Policy** 30 (1): 50-70.
45. Libby, R., and K. Rennekamp. (2012). Self-serving Attribution Bias, Overconfidence and The Issuance of Management Forecasts. **Journal of Accounting Research** 50 (1): 197-231.
46. Loewenstein, G. and J. S. Lerner. (2003). **The Role of Affect in Decision Making**, in R. Davidson, K. Scherer and H. Goldsmith (eds), Handbook of Affective Science. Oxford, UK: Oxford University Press.
47. Lu, L., and R. Glimour, (2004). Culture and Conceptions of Happiness: Individual Oriented and Social Oriented and SWB. **Journal of Happiness Studies** 5: 269-291.
48. Meyers-Levy, J. (1989a). Gender Differences in Information Processing: A Selectivity Interpretation. In Patricia Cafferata And Alice M. Tybout (Eds). Cognitive and Affective Responses to Advertising, pp. 229-260. Lexington, MA: D. C. Heath.
49. Myers, D. G. (2002). Happy and Healthy. <http://abclocal.Go.Com/68-wls/News/012802-hs-HappyHealthy.Htm> 1.
50. Osemeke, Louis. (2011). The Study of Yhe Effect of Role of Board of Director Characteristics on Corporate Social Responsibility of Public Listed Company in Nigeria. Working, Paper, SSRN <http://ssrn.com/abstract=1972954>.
51. Rego, A. and E. Pina, M. Cunha. (2008). Workplace spirituality and organizational commitment: an empirical study. **Journal of Organizational Change Management** 21(1): 53-75.
52. Scheier, M. F. M., C. S. Carver. (1985). Optimism, Coping, And Health: Assessment And Implications of Generalized Outcome Expectancies. **Health Psychology** 4: 219-247.
53. Schipper, K. (1989). Earnings Management. **Accounting Horizons** 3: 91-102.

54. Schrand, C., and S. Zechman. (2012). Executive overconfidence and the slippery slope to financial misreporting. **Journal of Accounting and Economics** 53 (1): 311-329.
55. Schwarz, N. and F. Strack, (1991), **Evaluating One's Life: a Judgement Model of Subjective Well-being**, in Strack, F., Argyle, M. And Schwarz, N. (Eds), **Subjective Well-being: An Interdisciplinary Perspective**, Pergamon Press, Oxford, pp. 27-47.
56. Sheldon K. M., and S. Lyumbomirsky. (2004). Achieving Sustainable New Happiness, **Positive Psychology in Practice**, John Wiley, Hoboken, New Jersey.
57. Steijver, T. and M. Niskanen. (2011). Tax Aggressive Behavior in Private Family Firms the Effect of the CEO and Board of Directors. Available at <http://ssrn.com/abstract=1937651>.
58. Tavis, C., and C. Wade. (1984). The longest war: Sex differences in perspective (2nd ed.). San Diego, CA: Harcourt Brace Jovanovich.